



۱- کدام گزینه ترجمه دقیق متن انگلیسی است؟

Iranian history has suffered from many instances of international intervention during the 19th and 20th centuries

- در قرن ۱۹ و ۲۰ ایران بیشترین نفوذ قدرتهای بزرگ را تجربه کرده است
- تاریخ ایران در قرنهای ۱۹ و ۲۰ از نمونه های زیادی از نفوذ و مداخله بین المللی رنج برده است
- بیشترین رنج ایرانیها از نفوذ خارجیها در قرون ۱۹ و ۲۰ بوده است
- قرن ۱۹ و ۲۰ شاهد نفوذ قدرتهای بزرگ در ایران بوده است

2-The economic aspects of US-Iran relationship involved land reform which the Shah thought would lead Iran into a strong political structure and stable development and quell the opposition.

- اقتصادی-توسعه می دهد
- حوزه - مخالفان
- وضعیت ها- سرکوب می کرد
- جنبه ها- فرو می نشاند

3-The United States imports 40 percent of its oil, which of 30 percent comes from the countries of the Persian Gulf.

- آمریکا از ۴۰ درصد نفت تولیدی ۳۰ درصد آن را به کشورهای خلیج فارس صادر می کند
- آمریکا از ۴۰ درصد نفت مورد نیاز ۳۰ درصد آن را از منطقه خلیج فارس وارد می کند
- ایالت متحده آمریکا از ۴۰ درصد نفت وارداتی میزان ۳۰ درصد آن را از کشورهای خلیج فارس تامین می کند
- کشورهای خلیج فارس ۳۰ درصد از نفت صادراتی را به آمریکا ارسال می کنند

4-Even after the Second World War the world was still dominated by the Great Powers triumphant in the war.

- بحرانی - آشفته
- استثمار - دیکتاتور
- حاکم - خشن
- تحت سلطه - پیروز

5-Recent Iranian history has witnessed strong influences by the great powers especially Britain and the Soviet Union

- تاریخ معاصر ایران شاهد نفوذ گسترده قدرتهای بزرگ به خصوص بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی بوده است
- بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی به شهادت تاریخ نفوذ زیادی در ایران داشته اند
- تاریخ ایران با حضور قدرت های بزرگ نظیر اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا رقم خورده است
- در تاریخ ایران مداخله اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا در سیاست خارجی ایران مشهود است

**6-On the other hand, premier Razmara felt his hands were tied by the process of nationalization**

1. از طرف دیگر، رزم آرا در برابر فرایند ملی شدن مقاومت می کرد
2. از سوی دیگر، رزم آرا در برابر فرایند ملی شدن تسلیم شد
3. به عبارت دیگر رزم آرا توانست فرایند ملی شدن را به طور احساسی خنثی کند
4. به عبارت دیگر نخست وزیر رزم آرا خود را در برابر فرایند ملی شدن دست بسته احساس کرد

**7-Britain's relationship with Iran and its perceptions of Musaddiq were quite different from those of the Soviets and the United States**

1. روابط بریتانیا و ایران و رویکرد این کشور به مصدق کاملاً با شوروی و آمریکا متفاوت بود
2. بریتانیا نیز همچون آمریکا و شوروی با ایران و مصدق برخورد می کرد
3. بریتانیا رویکردی متفاوت نسبت به آمریکا و شوروی داشت
4. آمریکا و شوروی رویکردی همچون بریتانیا نسبت به مصدق داشتند

**8-Churchill appointed Anthony Eden as his foreign secretaty**

1. چرچیل، آنتونی ایدن را از کار در سیاست خارجی خلع کرد
2. چرچیل، آنتونی ایدن را به عنوان مشاور برگزید
3. چرچیل، آنتونی ایدن را به عنوان وزیر خارجه منصوب کرد
4. چرچیل، آنتونی ایدن را به عنوان مشاور در امور سیاسی منصوب کرد

**9-The Iranian crisis entered a new stage which ended in the coup of 1953**

1. شرایط ایران در سال ۱۹۵۳ وارد بحران جدیدی شد
2. بحران ایران وارد مرحله جدیدی شد که منجر به کودتای ۱۹۵۳ شد
3. کودتای سال ۱۹۵۳ شرایط جدیدی برای ایرانیان بوجود آمد
4. کودتای ۱۹۵۳ به عنوان مرحله جدید در ایران با موفقیت انجام شد

**10-At the first the Tudeh thought Musaddiq's policy of nationalization was in fact orgnized by the British**

1. سیاست ملی شدن نفت در حقیقت توسط حزب توده برای تسلط بریتانیا طراحی شده بود
2. حزب توده با نفوذ بریتانیا در قالب ملی شدن نفت مخالفت کرد
3. بریتانیا و حزب توده بیشترین نقش را در ملی شدن نفت داشتند
4. در آغاز حزب توده چنین می پنداشت که سیاست ملی شدن توسط مصدق با همکاری بریتانیا طراحی شده است

11-The Iranian government hoped that through the World Bank, the problem of oil especially in its sale, would be solved

1. دولت ایران امیدوار بود با واسطه بانک جهانی مشکل نفت به خصوص فروش آن حل خواهد شد
2. امیدواری ایران در دخالت بانک جهانی برای رفع مشکل فروش نفت بیهوده بود
3. دخالت بانک جهانی کمک قابل توجهی به فروش نفت ایران کرد
4. مشکل فروش نفت ایران با مداخله بانک جهانی برطرف شد

12-In general the Tudeh Party enjoyed a great deal of freedom of action in protesting against Musaddiq's foreign policy

1. در کل حزب توده از آزادی عمل گسترده ای در سیاست گذاری دوره مصدق برخوردار بود
2. بطور عمومی حزب توده از آزادی عمل گسترده ای در مخالفت با سیاست خارجی مصدق برخوردار بود
3. در مجموع فعالیت سیاسی حزب توده در زمان مصدق به حداقل رسیده بود
4. آزادی عمل حزب توده در سیاست خارجی مصدق تاثیر بسزایی داشت

13-Now it was the time for the Shah to declare Musaddiq's dismissal from power and gave the premiership to Zahedi

1. برکناری مصدق و جایگزینی آن با زاهدی از مواردی بود که شاه فکر می کرد در زمان خوبی انجام شده است
2. اکنون وقت آن رسیده بود که شاه عزل مصدق را اعلام کند و نخست وزیری را به زاهدی واگذار کند
3. اکنون شاه آمادگی داشت که زاهدی را جایگزین مصدق کند
4. زاهدی بر اساس تصمیم شاه با عزل مصدق به عنوان نخست وزیر برگزیده شد

14-The election of the 17th Majlis in spring 1952 resulted in the National Front winning a clear majority

1. انتخابات مجلس هفدهم در بهار سال ۱۹۵۲ با موفقیت انجام شد
2. جبهه ملی انتخابات مجلس ۱۷ را به نفع خود به انجام رساند
3. انتخابات مجلس هفدهم در سال ۱۹۵۲ منجر به برتری اکثریتی جبهه ملی شد
4. جبهه ملی اکثریت نمایندگان خود را در مجلس هفدهم از دست داد

**15-The United States was looking for an Iran free from communist control**

1. آمریکا بر ایرانی با حاکمیت ضد کمونیست تاکید داشت
2. کمونیستها در زمان حضور آمریکا در ایران بیشترین نفوذ را داشتند
3. آمریکاییها با کنترل و نفوذ کمونیستها در ایران مخالف بودند
4. آمریکا به دنبال ایرانی رها از کنترل کمونیستها بود

**16-The Shah followed the new US polich and promised freedom of elections in Iran**

1. شاه با سیاست آمریکا در مورد ایرانی با انتخابات آزاد موافقت کرد
2. شاه از سیاست جدید آمریکا تبعیت کرد و قول آزادی انتخابات را در ایران داد
3. شاه با سیاست آمریکا مبنی بر انتخابات آزاد موافق نبود
4. شاه مجبور شد که به دستور آمریکا در ایران انتخابات آزاد برگزار کند

**17-The United States was following a policy of assisting the monarchy in order to gain its objectives**

1. آمریکا به دنبال سیاستی بود که با کمک به سلطنت بتواند منافع خود را تامین کند
2. تامین منافع آمریکا به حمایت از رژیم سلطنتی بستگی داشت
3. حمایت از سلطنت در اولویت سیاست خارجی آمریکا قرار داشت
4. منافع آمریکا در حمایت از شاه و رژیم سلطنتی بود

**18-To strengthen the position of the Shah, US officials provided Iran with large amounts of economic and military assistance**

1. شاه برای تثبیت قدرت خود نیاز مبرم به کمکهای اقتصادی و فنی آمریکا داشت
2. برای تقویت موقعیت شاه مقامات آمریکایی مقادیر زیادی از امکانات اقتصادی و نظامی را برای ایران فراهم کردند
3. کمکهای اقتصادی و نظامی آمریکا برای تثبیت رژیم سلطنت بسیار مفید و موثر بود
4. کمکهای نظامی و اقتصادی آمریکا هم نتوانست به رژیم شاه کمک قابل توجهی کند

**19-This relationship allowed the United States to exert influence on Iran as well as having access to Iranian oil**

1. این روابط به آمریکا فرصت داد تا نفوذ خود را در ایران اعمال کند و همچنین به منابع نفتی ایران دسترسی داشته باشد
2. این روابط فرصت مناسبی برای آمریکا بود که به منابع نفتی ایران دسترسی بیشتری داشته باشد
3. این روابط امکان دسترسی آمریکا به منابع نفتی ایران را فراهم و اعمال نفوذ ایران را بیشتر ساخت
4. روابط آمریکا با ایران در افزایش منافع آمریکا در بهره برداری از نفت کمک کرد



**20-The new agency, known as Savak, was placed under the command of Bakhtiar**

1. به دستور بختیار آژانس جدیدی به نام ساواک تاسیس شد
2. ساواک با همکاری آمریکا نقش موثری در امنیت ایران داشت
3. آژانس جدیدی که به ساواک شناخته شد تحت کنترل و فرمان بختیار بود
4. بختیار به ریاست آژانس جدیدی که ساواک نامیده می شد، منصوب گردید

**21-The Shah thought and feared he might be assassinated so that his son might rule**

1. شاه فکر می کرد و می ترسید که پسرش حکومت را به دست گیرد
2. شاه از ترس به قدرت رسیدن پسرش به وحشت افتاده بود
3. شاه فکر می کرد که پسرش با حمله و کشتن او به قدرت خواهد رسید
4. شاه فکر می کرد و می ترسید که پسرش با ترور او قدرت را به دست بگیرد

**22-The 1960s and 1970s was a period of growing economic inequality between the small upper classes and the masses of the lower classes**

1. دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دوران رشد و شکوفایی اقتصادی در طبقات بالایی و متوسط مختلف بود
2. دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دوران رشد نابرابری اقتصادی بین طبقات کوچک بالایی و طبقات بزرگ پایینی بود
3. طبقات بالایی و پایینی در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از اختلاف فاحشی از نظر اقتصادی برخوردار بودند
4. در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ طبقات مختلف از برابری اقتصادی برخوردار بودند ولی به تدریج به نابرابری انجامید

**23-The final source of wealth was the well-known Pahlavi foundation**

1. آخرین منبع سرمایه موسسات شناخته شده پهلوی بود
2. موسسات پهلوی از درآمد بالایی برخوردار بودند
3. آخرین منبع درآمد دولتی موسسات پهلوی بود
4. موسسات پهلوی از درآمد سرشاری برخوردار بودند

**24-One of his great weaknesses was his jealousy .**

1. بیداری - جواهر
2. تفریحات - مسافرت
3. شاخصه ها - شجاعت
4. نقاط ضعف - حسادت

**25-The resurgence party comprised two groups**

1. شاهنشاهی - ترکیب
2. رستاخیز - شامل شدن
3. رستاخیز - ترکیب
4. سلطنت - مشمول



زمان آزمون (دقیقه): تستی: ۹۰ تشریحی: ۰

تعداد سوالات: تستی: ۳۰ تشریحی: ۰

عنوان درس: متون سیاسی به زبان خارجی ۱

رشته تحصیلی/کد درس: علوم سیاسی ۱۲۱۲۰۳۸

26- Iran also maintained fairly close relations with Israel in this period

- |                       |                        |
|-----------------------|------------------------|
| 1. از دست دادن - بسته | 2. بدست آوردن - بن بست |
| 3. حفظ کردن - بسته    | 4. حفظ کردن - نزدیک    |

27- Domestically Shariff Emami replaced Eqbal as prime minister

- |                                |                    |
|--------------------------------|--------------------|
| 1. اهلی - جا بجا کردن          | 2. محلی - عوض کردن |
| 3. از لحاظ داخلی - جایگزین شدن | 4. داخلی - تعویض   |

28- This activity in the economic sphere attracted the attention of the US Congress

- |                |                   |                  |               |
|----------------|-------------------|------------------|---------------|
| 1. حوزه - توجه | 2. میدان - دیدگاه | 3. دوره - رویکرد | 4. فضا - نگاه |
|----------------|-------------------|------------------|---------------|

29- The leader of the religious group, began to act against Zahedi immediately after the coup

- |                    |                   |                  |                |
|--------------------|-------------------|------------------|----------------|
| 1. مذهبی - تند روی | 2. منطقه - انقلاب | 3. مذهبی - کودتا | 4. دینی - سقوط |
|--------------------|-------------------|------------------|----------------|

30- It occurred after the breakdown of all negotiations with the british

- |                            |                      |
|----------------------------|----------------------|
| 1. زمین گیر شدن - اختلافات | 2. واقع شدن - نشستها |
| 3. ضربه - مذاکرات          | 4. شکست - مذاکرات    |